Archive of SID

مقاله پژوهشی- فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی
سال شانزدهم، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱
صفحه ۲۷۵ تا ۲۹۴

جایگاه عدالت قضایی در تحقق جامعه مطلوب اسلامی

محمودرضا انصاری / دانش‌آموخته گروه آموزشی حقوق عمومی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران، نویسنده مسئول، ansari.attorneyatlaw61@gmail.com
محمدحسین بیاتی/ استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران، faghahat@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است تا جایگاه عدالت قضایی را در ارتباط با تحقق جامعه مطلوب اسلامی مورد بررسی قرار دهد. به صورت مصداقی این موضوع درباره عملکرد آیت‌الله هاشمی شاهرودی و راهکارهای ایشان برای تحقق عدالت قضایی بررسی می‌شود. سؤال پژوهش این است: راهکارهای ارائه شده برای دستیابی به عدالت قضایی و تحقق جامعه مطلوب اسلامی از نظر آیت‌الله هاشمی شاهرودی کدام هستند؟ فرضیه این است که حاکم کردن قانون و جلوگیری از اعمال خودسرانه و فراقانونی، حبس زدایی و مجازات جایگزین حبس، رعایت کرامت انسانی در امور دادرسی از جمله راهکارهای تحقق عدالت قضایی و دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی محسوب می‌شوند. جامعه مطلوب اسلامی در واقع، عمل بر مبنای شریعت و احکام اسلامی و همچنین بهبود وضعیت قضایی در حیطه حقوق شهروندی، مناسبات مردم با حکومت و بالعکس است. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که بیشتر با تکیه بر منابع نگاشته شده هاشمی شاهرودی جمع‌آوری شده است.

کلیدواژه: عدالت قضایی، هاشمی شاهرودی، جامعه مطلوب اسلامی، حقوق اسلامی.

تاریخ دریافت ۱۲ /۱۴۰۰/۰۵ تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای محمودرضا انصاری می باشد

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

دستیابی به جامعه مطلوب در اسلام نیازمند وجود شرایط لازم در آن جامعه و از جمله محقق شدن اصول و آموزه‌های شرعی است. بنابراین در شرایطی که از احکام شرعی در عرصه اداره جامعه و فرهنگ عمومی جامعه فاصله گرفته شود، نمی‌توان نسبت به تحقق جامعه مطلوب اسلامی امیدوار بود. در همین راستا، رعایت حقوق افراد در پرتو یک نظام عادلانه قضایی نقش مهمی در رسیدن به اهداف جامعه مطلوب اسلامی ایفا می‌نماید. به طور مشخص، حقوق قضایی بخش مهمی از مسأله عدالت را شامل می‌شود که می‌تواند تکمیل کننده جامعه مطلوب اسلامی نیز در نظر گرفته شود. جامعه مطلوب اسلامی در واقع وجود عدالت، آزادی بر مبنای شرع و احکام شرعی، زندگی کرامت محور و همچنین نفی ظلم و ستم در جامعه است. دستگاه قضایی نقش مهمی در تنظیم مناسبات و روابط میان افراد با یکدیگر، افراد با نظام سیاسی و بالعکس بر عهده دارد. بنابراین در صورتی که بتوان یک نظام قضایی مشروع، عادلانه و مردم-پسند را برپا نمود، عدالت قضایی و سپس رسیدن به اهداف و آرمان‌های جامعه مطلوب اسلامی با سهولت بیشتری امکانپذیر است. بدین ترتیب پرداختن به بحث عدالت قضایی هم از حیث نظری و هم از حیث عملی، و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود نقش مهمی در تحقق اصول جامعه مطلوب اسلامی خواهد داشت. در جامعه اسلامی پس از انقلاب اسلامی، لزوم عدالت قضایی، پرداختن به معضلات دستگاه قضا، رسیدن به اهداف متعالی نظام اسلامی و همچنین ترسیم الگویی برای برقراری عدالت از موضوعات مهم و قابل توجهی به شمار می‌روند.

پژوهش حاضر درصدد است تا بخش مهمی از عدالت یعنی عدالت قضایی را در اندیشه هاشمی شاهرودی مورد توجه قرار دهد. به این دلیل که مبحث عدالت قضایی و تأثیر آن بر شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی، کمتر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان جامعه مطلوب اسلامی قرار گرفته است. هاشمی شاهرودی به‌عنوان یکی از صاحبنظرانی است که مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه عدالت و قضاوت انجام داده است و از همه مهم‌تر به عنوان مقامی قضایی در این زمینه فعالیت قضایی داشته است. بنابراین از حیث پیوند نظر و عمل و شناخت موانع و راهکارها می‌تواند پژوهشی مؤثر در نظر گرفته شود. مهم‌ترین ضرورت‌های پژوهش حاضر نیز غفلت از نقش

www.SID.ir

Archive of SID

عدالت قضایی در تحقق جامعه مطلوب اسلامی و از همه مهم‌تر جایگاه مهم قضاوت در آموزه‌ها و احکام اسلامی است.

۱-۱.پیشینه و ادبیات تحقیق

تحقیقات متعددی در طی سالیان اخیر درباره مفهوم و جایگاه عدالت قضایی نگاشته شده است که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود:

لسانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی مشترک با عنوان جایگاه و ضرورت قضاوت شورایی در تحقق عدالت قضایی، با اشاره به مهم بودن منصب قضا، قضاوت جمعی را به شرط رعایت ملاحظات و آداب اجتماعی باعث افزایش اعتماد عمومی و مقبولیت دستگاه قضایی می‌دانند. محمدصالح ولیدی (۱۳۹۱)، نیز در مقاله بررسی مصادیق برجسته عدالت قضایی در سیره امام علی (ع)، به واکاوی سیره عملی و نظری امام اول شیعیان در نهج‌البلاغه می‌پردازد و عدالت قضایی شکل گرفته توسط امام علی (ع) را مصداق تمام و کمال عدالت برای جامعه انسانی تلقی می‌کند که از هر جهت دارای شاخصه‌های مهمی در باب عدالت است. رضا حسینی (۱۳۹۱) نیز در مقاله مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی، گستردگی مبحث عدالت را مورد توجه قرار داده است و چنین نتیجه می‌گیرد که مفهوم حق از مفهوم حکم متفاوت است و حق در تعریف عدالت اجتماعی در واقع به معنای اعتبار نوعی سلطه و امتیاز برای صاحب حق است. محمود صوفی‌آبادی (۱۳۸۸) در مقاله بررسی شرط عدالت در قاضی و شاخصه‌های عدالت قضایی در فقه و حقوق ایران به بررسی برخی شرایط عدالت قضایی از جمله خصوصیات رفتاری و شخصیتی قاضی پرداخته است و چنین نتیجه گرفت که منصب قضاوت یکی از مناصب کلیدی در برقراری عدالت اجتماعی است که با اصلاح رفتارهای قضات قابل دستیابی است.

تحقیقاتی که ذکر شد هر کدام به طور مستقل نسبت به عدالت قضایی و یا جایگاه عدالت در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. اما پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی مفهوم عدالت قضایی در جامعه مطلوب اسلامی، نسبت به بررسی ابعاد آن در اندیشه هاشمی شاهرودی پرداخته شود.

۲. مبانی نظری؛ معیارهای جامعه مطلوب اسلامی از منظر حقوق قضایی

جامعه مطلوب اسلامی، جامعه‌ای است که در ابعاد سیاسی و حکمرانی و هم در سطح فرهنگ عمومی جامعه، احکام و ارزش‌های دینی جاری باشد. در این معنا، هم در

www.SID.ir

Archive of SID

سطح اداره جامعه و هم در نزد مردم، احکام شرع، مبنای اداره جامعه است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۴۶). بدین ترتیب در جامعه مطلوب اسلامی، خصوصیاتی دیده می‌شوند که آن را از سایر جوامع مطلوب و نظام‌های سیاسی متمایز می‌سازد. در اینجا به برخی از مهم‌ترین خصوصیات پرداخته می‌شود. اولین خصوصیت جامعه مطلوب اسلامی از حیث قضایی، توجه به حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون، نظامی است که در آن سعی می‌شود از حقوق شهروندان در برابر استبداد و سوء استفاده از قدرت دولت حمایت شود (شمعی، ۱۳۸۸: ۹۵). مطابق این اصل، استفاده خودسرانه و مستبدانه از قدرت، در تصمیم‌گیری‌های حکومتی، مردود است. بر این اساس، حاکمان و سیاستمداران به‌عنوان حافظان و خادمان قانون شناخته می‌شوند و خود نیز مشمول آن می‌گردند؛ میزان مشروعیت حکومتشان به میزان وفاداری آنان به معیارهای قانونی، فراشخصی و خردمندانه بستگی دارد (زارعی، ۱۳۸۰: ۲۳). بدین ترتیب، اهتمام به مراعات قانون و حفظ نظم عمومی جامعه از دیدگاه اسلام، در آن درجه از اهمیت است که امام علی (ع) در آخرین وصیت خود، پس از سفارش به تقوای الهی، رعایت نظم و قانون در امور فردی و اجتماعی را توصیه می‌فرماید: اوصیکما وجمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی: بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم. (نهج البلاغه، نامه۴۷). من شما و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که این وصیت‌نامه به آنها می رسد، به تقوای الهی، و رعایت نظم در تمام امور، و اصلاح روابط میان مسلمین، سفارش می کنم (همان منبع، ۴۶).

یکی دیگر از معیارهای مهم در ترسیم جامعه مطلوب اسلامی در پرتو رویه قضایی، دفاع از اصل «برابری و عدالت» است که منجر به رعایت حقوق انسانی در جامعه اسلامی می‌شود. حق‌الله و حق‌الناس به معنای حقوق خداوند بر بندگان و حقوق مردم بر یکدیگر است و تمام احکام واجب یا حرام و آن دسته از جرائمی که جنبه عمومی دارند، جزء حقوق‌الله محسوب می‌شوند؛ به تعبیر دیگر، اوامر تکلیفی عبادی که صرفاً برای تقرب به خداوند امتثال می‌شود و آثار حقوقی برای دیگران ندارد و نیز حقوق ناشی از تکالیف اجتماعی که تشریع آنها مبتنی بر نفع عموم مردم است؛ مانند اقامه حدود که از مصادیق حق‌الله است و در برابر حقوقی که برای حفظ مصالح خاص دنیوی اشخاص و برای تثبیت حقی برای آنان وضع شده؛ حق‌الناس است (زحیلی،۱۴۱۹: ۱۴/۴-۱۳ ؛ مشکینی،۱۳۷۹: ۲۱۵). اهمیت حق‌الناس در شریعت اسلام

www.SID.ir

Archive of SID

تا جایی است که کلیه‌ی گفت تقدم حق الناس بر حق‌الله مانند یک قاعده فقهی است. مبنای قاعده تقدم حق‌الناس بر حق‌الله این است که در موارد حق‌الناس، پای مصلحت دیگری اعم از فرد، گروه و جامعه در میان است اما در حق‌الله، خداوند برای مصلحت خود مکلف، حکمی را جعل می‌کند. قاعده تقدم حق‌الناس بر حق‌الله، قاعده‌ای اصطیادی است؛ به این معنا که به مضمون آن در قرآن و سنت تصریح نشده است؛ در میان فقهاء شهرت دارد که حق‌الناس بر حق‌الله مقدم است (شیخ انصاری،۱۴۱۵: ۱۶۹)؛ زیرا «حق‌الناس بزرگتر از حق‌الله» و «حق‌الله آسان‌تر از حق‌الناس» است»؛ و «خروج از عهده حقوق‌الناس مهم‌تر از خروج از عهده حق‌الله» است (سید علی طباطبایی، «ریاض المسائل»، محقق عراقی در «تعلیقه بر عروه»، امام خمینی در «تحریرالوسیله»، سید ابوالقاسم خوئی در «معتمد العروه» و ...)

موضوع دیگری که در جامعه مطلوب اسلامی مدنظر است و در ارتباط با حقوق قضایی نیز مطرح می‌شود، بحث کرامت انسانی است. در این رویه، انسان‌ها از کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی برخوردارند و خداوند باری تعالی برای گذران حیات انسان‌ها در فضای حق- تکلیفی متقابل متسالم این نوع کرامت را در نهاد همه انسان‌ها قرار داده‌است. این کرامت «نتیجه بشریت است و هر انسان از آن‌رو که انسان است، صاحب کرامت است» (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). در یک کلام، می‌توان این نوع کرامت را کرامت این جهانی نامید (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). مع‌ذلک، انسان‌ها مادامی که با اختیار خود جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشتن و بر دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند (جعفری تبریزی،۱۳۷۰: ۷۷).انسان بدین دلیل که مقام خلافت الهی را به دوش می‌کشد، دارای کرامت می‌شود، فلذا انسانی که از قانون خداوندی تبعیت نکند، از کرامت برخوردار نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۶۲ و ۱۳۸۴: ۲۸۶ و ۲۸۷).

ذکر این نکته لازم است که در منظومهٔ حق‌هایی که فقها ترسیم کرده‌اند، کرامت از سویی جزء حقوق غیرقابل نقل و انتقال و از سوی دیگر غیر قابل اسقاط و غیرقابل سقوط خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۵: ۹) که حتی اراده انسان در سلب کردن آن نافذ نیست و توافق بر سقوط نیز نمی‌توان کرد؛ زیرا کرامت ذاتی، غیرقابل سلب است. به طور مشخص در جامعه مطلوب اسلامی از حقوق شهروندان بر مبنای کرامت ذاتی دفاع می‌شود و این رویه درباره حقوق قضایی نیز دنبال می‌شود. حقوق قضایی بهره‌مندی از

www.SID.ir

Archive of SID

اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله‌ی قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل از مهم‌ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می‌گردد (مرادخانی و خزایی، ۳۳-۳۲، ۱۳۹۷). بنابراین در جامعه مطلوب اسلامی، حقوق قضایی با توجه به اصول پذیرفته شده دین مبین اسلام و احکام ناشی از آن مطرح می‌شود که می‌توانند به عنوان شاکله نظام مطلوب از حیث قضایی شناخته شوند.

۳. چارچوب نظری تحقیق؛ نظریات عدالت قضایی

نظریات متعددی درباره عدالت قضایی مطرح شده است که به برخی از آنان اشاره می‌شود. برخی از نظریات، استقلال قضات را شاخصی برای تحقق عدالت قضایی در نظر می‌گیرند. براساس این دیدگاه، تا آنجا که ممکن است روند انتصاب قضات به سیاسی بودن قضات منجر نگردد و از فشارهای سیاسی آزاد باشند (بارنت، ۱۳۸۲: ۶۲). وجه دیگر استقلال قضات به عنوان معیار عدالت قضایی، مصون ماندن قوه قضاییه از دخالت و نفوذ سایر نهادها و دستگاه‌های سیاسی و تقنینی در کشور است. به این دلیل که قوه قضائیه، پیوسته در معرض قوه مجریه و مقامات سیاسی است و کارگزاران اجرایی و سیاسی طبعاً به زیر نفوذ بردن قضات گرایش داشته‌اند و این به دور از مصلحت جامعه و رعایت حقوق افراد است (قاضی، ۱۳۹۶: ۳۲). در خصوص اهمیت جدایی قوه قضاییه یکی از اندیشمندان حقوق تاکید می‌کند: «چنانچه قوه قضاییه با قوه مقننه مرتبط باشد حیات و مالکیت و آزادی مردم در دست حاکم خودسر قرار خواهد گرفت. به باور وی در چنین شرایطی تصمیمات بر خلاف اصول حقوقی اتخاذ می‌شود» (Blackston, 1989: 269). اقتضای استقلال قوه قضاییه همچنین از آن است که انجام وظایف قضایی در رسیدگی و صدور حکم و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات در انحصار این قوه باشد. سپردن امر قضا به سازمان‌های موازی به ویژه سازمان‌های قوه مجریه به هر شخص یا ترکیب کلی و جزئی خالی از توجیه قانونی و به دور از مصلحت می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۳۷۰). بنابراین باید مطرح کرد که اجرای عدالت، حفظ استقلال قضایی وقتی ممکن و میسر است که یک قاضی خوب بر مسند قضا بنشیند. یک قاضی عادل، آگاه به امور قضایی، مدیر و معروف به امانت و تقوی باشد. عادل یعنی آن کسی که در اعمال و رفتار خود از لحاظ شرعی کژی و انحراف نداشته باشد؛

www.SID.ir

Archive of SID

یعنی آن صفت که در انسان منشاء اتیان و واحبات و محرمات است. استقلال دستگاه قضایی وقتی محفوظ می‌ماند که قضات و عملکرد آنها عاری از هر گونه ضعف باشد که این هم به خود استقلال قاضی و هم استقلال قوه قضاییه باز می‌گردد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

نظریه دیگری که درباره عدالت قضایی مطرح می‌شود ، توجه به حاکمیت قانون است. این مفهوم نظم و ترتیب و پیش‌بینی‌های مربوط به چگونگی کارکردهای یک کشور را تعیین می‌کند. در بیشتر مفاهیم پایه‌ای حاکمیت قانون نظامی است که در آن سعی می‌شود از حقوق شهروندان در برابر استبداد و سوء استفاده از قدرت دولت حمایت شود (شمعی، ۱۳۸۸: ۹۵). بنابراین حاکمیت قانون را می توان در این نکته خلاصه نمود که مطابق این اصل، استفاده خودسرانه و مستبدانه از قدرت، در تصمیم‌گیریهای حکومتی، مردود است. بر این اساس، حاکمان و سیاستمداران بعنوان حافظان و خادمان قانون شناخته می‌شوند و خود نیز مشمول آن می‌گردند؛ میزان مشروعیت حکومتشان به میزان وفاداری آنان به معیارهای قانونی، فراشخصی و خردمندانه بستگی دارد (زارعی، ۱۳۸۰: ۵۹).

اصل دیگری که در عدالت قضایی بسیار حائز اهمیت است و از رفتارها و خصوصیات قضات خارج شده و به نظام عدالت قضایی مربوط می‌شود، دادرسی علنی است. منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند؛ و به اجرای دقیق قوانین، بی نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند. از آنجا که دستگاه قضایی همانند دیگر نهادها و ارگان‌های دولتی امانتدار مردم است با علنی بودن دادرسی عملکرد آن تحت نظارت مستقیم مردم و افکار عمومی قرار می‌گیرد و از گرایش به انحراف مصون می‌ماند و از طریق این نظارت امنیت قضایی افراد نیز به نحو شایسته‌ای تامین می‌گردد (امیدی و نکویی، ۱۳۸۷: ۲۴). علنی بودن دادرسی خصیصه‌ای است که فرآیند دموکراتیک را در دادرسی ملموس می‌نماید که خود متضمن دو معناست. یکی آنکه جریان دعوی و مجادلات اصحاب دعوی اصولاً علنی و غیر سری برگزار شود و هر کس بتواند در اتاق دادگاه حاضر شود و از جریان محاکمه مطلع گردد و دوم آنکه رایی که صادر می‌شود در اختیار عموم قرار گیرد تا مردم بتوانند از نتیجه کار دستگاه قضایی مطلع گردند و به ارزیابی اعتبار و مشروعیت آن بپردازند

www.SID.ir

Archive of SID

(غمامی، ۱۳۸۲: ۲۸۲). علنی بودن محاکمات موجب نظارت مردمی بر جریان برگزاری محاکمه و در نتیجه تضمین حقوق دادخواهی و دفاع است. سابقه تاریخی دادرسی‌ها نشان می‌دهد که سری بودن محاکمات در دادگاه ها منجر به تضییع حقوق اشخاص گردیده است (مؤذن زادگان، ۱۳۷۷: ۱۳۹). در این میان، محاکم و دادگاهها موظف به ارائه اطلاعاتی راجع به زمان و محل محاکمه علنی قابل دسترس می‌باشند و همچنین باید تسهیلات کافی جهت حضور اعضای ذینفع جامعه با محدودیت‌های معقول تمهید نمایند.

برخی دیگر از نظریات، «اصل برائت» را معیار عدالت قضایی در نظر می‌گیرند. از نظر این رویکرد، دستگیری و شکنجه خودسرانه قبل از اثبات جرم، یک اقدام سالب آزادی است که به موجب آن یک صاحب منصب پلیس قضایی دستور می‌دهد شخصی برای مدت کاملاً محدود و مشخص تحت نظارت مقامات قضایی و به اشکال مذکور در قانون تحت نظر و اختیار قرار بگیرد.» (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۳). ترجمان دیگری که از اصل برائت می‌توان ارائه نمود، نفی دخالت خودسرانه در امور دادرسی اعم از مرحله تحقیق، تفهیم اتهام، صدور رأی و... است. در صورتی که در یک نظام قضایی اصل برائت حاکم باشد، می‌توان از عدالت قضایی و یا ترسیم مسیری برای دستیابی به آن سخن گفت.

با در نظر داشتن این نظریات، دیدگاه دیگری وجود دارد که توسط آیت‌الله هاشمی شاهرودی مطرح شده است. بر اساس این نظریه، عدالت قضایی نیازمند نقد و آسیب-شناسی گذشته قضایی و حرکت به سوی آینده‌ای روشن است که در مراحل مختلف دادرسی اصول و معیارهای اسلامی را در قبال متهمان، محکومان، زندانیان و... به کار می‌بندد. در اینجا به رئوس نظریات این فقیه در حوزه عدالت قضایی پرداخته می‌شود و سپس ارتباط آن با جامعه مطلوب اسلامی هم از حیث انتقادی و هم ایجابی پرداخته می‌شود.

یکی از مشکلات اساسی در راه تحقق عدالت قضایی در جامعه ایران، اَعمال فراقانونی و خودسرانه برخی نهادها در امور قضایی از جمله فرایند دادرسی است. در زمینه حمایت از قانون و جلوگیری از افراط و تفریط در دستگاه قضایی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی، با دفاع از قانون‌گرایی، مداخله ضابطان قضایی در امور قضایی را نوعی خودسری و گریز از قانون در نظر می‌گیرند. به تعبیر ایشان که می‌فرمایند: «اجازه

www.SID.ir

Archive of SID

ندهید ضابطان انتظامی خودمختار شوند و پلیس‌سالاری در جامعه رواج پیدا کند. زیرا پلیس‌سالاری در جامعه آسیب‌رسان است. از نیروی انتظامی نترسید و نگذارید جای شما را بگیرند» (سخنرانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۸). محصور ماندن وظایف ضابطان قضایی بخش مهمی از همان پایبندی به قانون و حاکمیت آن در دستگاه قضایی و در کل جامعه اسلامی است. به صورت دقیق‌تر، ایشان بیان می‌دارند: «مواد ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آیین دادرسی کیفری مصادیق جرم مشهود را برشمرده و وظایف ضابطان را بیان می کند و از آنچه در این مواد آمده کاملاً معلوم است که قانونگذار قصد داشته امکان حرکات خودسرانه و بدون نظارت مقامات قضایی را از ضابطان سلب کند» (همان منبع).

مشکل دیگری که در ادوار مختلف در حوزه عدالت قضایی وجود داشته و نقش مهمی در عدم تحقق عدالت ایفا می‌کند، فقدان دانش قضایی است که خود نیز موجب قانون گریزی می‌شود. کادر قضایی در یک سیستم قضایی توسعه یافته، متشکل از افرادی فاضل است و قضات هر چه از سطح بالاتری از نظر فضل و علم و فقاهت و دانش حقوق و فن قضاوت برخوردار باشند. فن قضاوت اضافه بر معلومات حقوقی و فقهی قاضی، خود یک مهارت و دانش مستقلی است. دستگاه قضایی پیشرفته‌تر و توسعه یافته‌تر خواهد بود. آنچه ذکر شد اهداف عمده فراسوی توسعه قضایی است که شاید بشود بعضی اهداف دیگری را هم اضافه کرد. توسعه قضایی بایستی در رابطه با این اهداف دیده شود، موفقیت ما در توسعه قضایی به این است که ببینیم چه اندازه این اهداف را توانسته‌ایم بهتر و در سطح بالاتر و در عرصه گسترده‌تری توسعه داده باشیم. هرچه بتوانیم این اهداف را به طور بهتر و توسعه یافته‌تر ایجاد کنیم و در جامعه تحقق ببخشیم، به توسعه قضایی نزدیک‌تر شده‌ایم. توسعه در این اهداف چنین نیست که همیشه مستلزم توسعه در فضاهای مثلاً دادگستری باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۶: ۲۰۳).

یکی از چالش‌های اساسی دیگری که وجود دارد، مسأله چالش‌های مربوط به حقوق افراد در دستگاه قضایی است. به گفته آیت‌الله هاشمی شاهرودی «مشکل اصلی ما، ضعف تدبیر قضایی است. فرضاً که ساختار درست شد و قوانین هم اصلاح شد، تدبیر قضایی مسئله‌ای دیگر است. قاضی باید تدبیر داشته باشد و روح حکم و فلسفه قضاوت و هدف‌ها و مقصدهای اصلی قضاوت را نادیده نگیرد. دادستانی انتظامی هم

www.SID.ir

Archive of SID

بایستی در نظارت خود، روح قوانین را میزان ارزیابی و عملکرد قضات قرار دهد و نه شکل قوانین را» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۶: ۱۲۳). همچنین نگرانی دیگری که در این دوره مشاهده می‌شود، موضوعات مربوط به بازداشت، و همچنین نادیده گرفتن حقوق خانواده متهمین است. از نظر ایشان: «در شرایط فعلی، حکم بازداشت دادن و قرار وثیقه سنگین در موارد کم اهمیت صادر کردن یا قرار کفالت و این قبیل سخت گیری‌ها، برای خانواده محکوم و برای جامعه فساد آور است و برای دولت هزینه آور و موجب فشار بر دستگاه قضایی است. قاضی اختیارات زیادی دارد باید در این موارد تدبیر کند و از اختیارات قانونی خود استفاده کند. سخت گیری را بگذارد برای موارد شرارت و متهمان خطرناک. مدیران و قضات عزیز این مسائل اجتماعی را در نظر بگیرند، ببینید در زندان‌ها چه می‌گذرد، خانواده آن کسی که به زندان می‌فرستند چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ هر کسی را به آسانی و به اندک بهانه‌ای به زندان نفرستند و روز قیامت از قانون نمی‌پرسند، اول از شرع می‌پرسند، نفوذ قانون یک عنوان ثانوی است. من این را بارها عرض کرده‌ام که در فقه ما آمده است در ارتکاب قتل عمد که بدترین جرم است، متهم به قتل را نمی‌توان بیش از شش روز بازداشت کرد. آقای قاضی مؤمن به فقه اسلام، شما چگونه از این واهمه ندارید و در مورد یک جرم جزئی کسی را شش ماه زندانی می‌کنید و آن شخص مدت‌ها بلاتکلیف در زندان می‌ماند» (همان: ۳۹). بنا به گفته ایشان: «قوه قضائیه گام‌های بلندی را برای از بین بردن معضل حبس که بسیاری از مجرمان عمدی و غیر عمدی و خانواده‌های آنان را در گیر و دچار مشکلات بسیاری در معشیت کرده، برداشته است. در قانون مجازات عمومی پیشین و همچنین قانون مجازات اسلامی پس از انقلاب نیز سازوکارهایی تعبیه شد که بر اساس آن برخی از مجرمان به جای تحمل کیفر حبس، مجازات جایگزین مانند جریمه، محرومیت از شغل و ... می‌شوند....مغز و روح دستگاه قضایی احیای حقوق عامه در جامعه و اصلاح مجرمان است، شایسته نیست که در نظام اسلامی که خدمات عظیمی صورت گرفته شاهد اختلافات زیاد و افزایش مراجعات به دادگستری باشیم» (همان: ۳۹۷).

با در نظر داشتن انتقاداتی که در این دوره وجود داشته است و بیشتر از زبان رییس قوه قضاییه مطرح شده است، به ارائه راهکارها برای برون رفت از این شرایط پرداخته می‌شود . بدین ترتیب باید گفت که مشکلات و معضلات مربوط به عدالت قضایی و آنچه در دستگاه قضایی وجود دارد، نقش قابل توجهی بر تحقق و یا عدم تحقق جامعه

www.SID.ir

Archive of SID

مطلوب اسلامی بر عهده دارند. در مبحث پیش‌رو به راهکارها و عملکرد قوه قضاییه در زمینه تحقق جامعه مطلوب اسلامی پرداخته می‌شود.

٤. عملکرد آیت‌الله هاشمی شاهرودی؛ جامعه مطلوب اسلامی و عدالت قضایی

عدالت قضایی یکی از معیارهای اساسی در تشکیل و برقراری جامعه مطلوب اسلامی از نظر آیت‌الله شاهرودی است که راه‌های مختلفی برای رسیدن به آن وجود دارد. از این حیث، بررسی راه‌ها و شرایط دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی که بر مبنای عدالت و شکل‌گیری جامعه عادلانه استوار است، بسیار حائز اهمیت است.

٤-١. تدبیر قضایی و جامعه مطلوب اسلامی

رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی نیازمند به کارگیری تدبیر در امور مختلف قضایی است. به همین دلیل، انتقاد اولیه، هاشمی شاهرودی این است که میان آنچه در حیطه قضایی کشور ما وجود دارد و آنچه در اسلام و آموزه‌های آن آمده است، فاصله هایی مشاهده می‌شود . به همین دلیل، تبدیل اندیشه اسلامی به عمل قضایی، کاهش و حتی از بین بردن فاصله نظر و عمل، امری مهم و قابل توجه است. به بیان ایشان: «بسیاری از بخشنامه‌هایی که صادر شده و اقداماتی که انجام گرفته و لوایحی که تصویب شده، همه در این جهت بوده است. این‌ها همه در اسلام آمده و خیلی دقیق هم آمده، ولی ما آن‌ها را در قالب قانون نهادینه نکردیم و ساختاری برای اجرای آن‌ها درست نکردیم» (هاشمی شاهرودیA، ۱۳۹۶: ۹۹).

بدین ترتیب، معیاری که از منظر عدالت قضایی می‌تواند به تحقق جامعه مطلوب اسلامی کمک نماید و یا زمینه‌ساز آن تلقی شود، مبحث «تدبیر قضایی» است. به گفته آیت‌الله هاشمی شاهرودی «مشکل اصلی ما، ضعف تدبیر قضایی است. فرضاً که ساختار درست شد و قوانین هم اصلاح شد، تدبیر قضایی مسئله‌ای دیگر است. قاضی باید تدبیر داشته باشد و روح حکم و فلسفه قضاوت و هدف‌ها و مقصدهای اصلی قضاوت را نادیده نگیرد. دادستانی انتظامی هم بایستی در نظارت خود، روح قوانین را میزان ارزیابی و عملکرد قضات قرار دهد و نه شکل قوانین را» (هاشمی شاهرودیB ۱۳۹۶: ۱۲۳). به نظر می‌رسد یکی از راه های رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی، به کارگیری تدبیر قضایی است که هم بتواند جرایم اجتماعی را به حداقل برساند و هم اینکه شرایطی برای اصلاح و بازپروری مجرمان اجتماعی را فراهم سازد. این موضوع به خوبی در اندیشه

www.SID.ir

Archive of SID

هاشمی شاهرودی بیان شده است. چنان‌چه بیان می‌کنند: «در شرایط فعلی، حکم بازداشت دادن و قرار وثیقه سنگین در موارد کم اهمیت صادر کردن یا قرار کفالت و این قبیل سخت گیری‌ها، برای خانواده محکوم و برای جامعه فساد آور است و برای دولت هزینه‌آور و موجب فشار بر دستگاه قضایی است. قاضی اختیارات زیادی دارد باید در این موارد تدبیر کند و از اختیارات قانونی خود استفاده کند. سخت‌گیری را بگذارد برای موارد شرارت و متهمان خطرناک. مدیران و قضات عزیز این مسائل اجتماعی را در نظر بگیرند، ببینید در زندان‌ها چه می‌گذرد، خانواده آن کسی که به زندان می‌فرستند چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟ هر کسی را به آسانی و به اندک بهانه‌ای به زندان نفرستند و روز قیامت از قانون نمی‌پرسند، اول از شرع می‌پرسند، نفوذ قانون یک عنوان ثانوی است. من این را بارها عرض کرده‌ام که در فقه ما آمده است در ارتکاب قتل عمد که بدترین جرم است، متهم به قتل را نمی‌توان بیش از شش روز بازداشت کرد. آقای قاضی مؤمن به فقه اسلام، شما چگونه از این واهمه ندارید و در مورد یک جرم جزئی کسی را شش ماه زندانی می‌کنید و آن شخص مدت‌ها بلاتکلیف در زندان می‌ماند» (هاشمی شاهرودیC، ۱۳۹۶: ۳۹).

۲-٤. زندان زدایی و مجازات جایگزین حبس

یکی از مؤلفه‌های اساسی جامعه مطلوب اسلامی، توجه به شرایطی است که ممکن است با اعمال مجازات برای افراد جامعه پیش بیاید. به همین دلیل، هاشمی شاهرودی با توجه به وضعیت اجتماعی زندانیان، توجه خاصی به زندانی‌زدایی و مجازات‌های جایگزین حبس نموده است. ایشان در این باره با توجه به روایت‌های تاریخی از صدر اسلام می‌فرمایند: «پیامبر اکرم (ص) قبول نکرد که متهم به قتل عمد بیش از شش روز بازداشت شود. آن وقت شما به راحتی برای جرایمی که بعضی از آن‌ها اصلاً از لحاظ شرعی جرم نیست و جرم حکومتی است، حکم بازداشت می‌دهید. آنچه فسادآور است، اصل رفتن به زندان است، یک روز یا سه روز فرقی ندارد. گفته‌اند میانگین بازداشت موقت دوازده روز است، خوب دوازده روز سرپرست یک خانواده را بگیرید و بیندازید به زندان این چنینی که ما داریم، چقدر زیان دارد؛ در روزهای پنجشنبه سال ۸۰ در سطح کشور، بیش از سی و سه هزار نفر وارد زندان شده‌اند که هزار و دویست نفر آنها بازداشت موقت هستند و سی و دو هزار و ششصد نفرشان به قرار وثیقه و کفالت و امثالهم، وارد زندان شده‌اند. ورود این افراد در جمع اشرار و فاسدها، چه

www.SID.ir

Archive of SID

عواقبی خواهد داشت؟» (هاشمی شاهرودیA، ۱۳۹۶: ۹۹). بنابراین جامعه مطلوب اسلامی از حیث عدالت قضایی نمی‌تواند به وضعیت زندان‌ها و کسانی که ممکن است به دلایل مختلفی وارد زندان می‌شوند، بی توجه باشد. از این منظر، در جامعه مطلوب اسلامی «حبس‌زدایی» به عنوان یک شاخصه اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد. ایشان در این باره، آثار اجتماعی و نامطلوب زندان را مدنظر قرار می‌دهد و چنین بیان می‌کند: «اثرهای مادی و یا روانی، بسیار منفی و گاهی جبران‌ناپذیر زندان بر مجرم، خانواده مجرم، قربانی جرم، خانواده قربانی، امنیت اجتماعی و حتی دولت، سبب آن شد تا این رویکرد مورد توجه سیستم قضائی کشور واقع شود که اکنون نشانه‌هایی از اثرات مثبت آن را می‌توان در جامعه مشاهده کرد. مغز و روح دستگاه قضایی احیای حقوق عامه در جامعه و اصلاح مجرمان است، شایسته نیست که در نظام اسلامی که خدمات عظیمی صورت گرفته شاهد اختلافات زیاد و افزایش مراجعات به دادگستری باشیم» (هاشمی شاهرودی C، ۱۳۹۶: ۳۹۷).

اقدام مهم دیگری که جهت تحقق جامعه مطلوب اسلامی از منظر زندان‌زدایی و مجازات اجتماعی جایگزین صورت می‌گیرد، استفاده از نیکوکاران در حل و فصل مشکلات زندانیان است. به بیان ایشان: «کار مهم دیگری که در اختیار دستگاه قضایی و سازمان زندان‌هاست و از ظرفیت‌ها به شمار می‌رود، استفاده از مردم و خیرین جامعه در حل مشکلات زندان‌ها است. بحمدلله در این قمست کارهای بسیار خوبی از قبیل تشکیل ستاد دیه شروع شده و مفید هم بوده است. مردم را در رفع مشکلات زندانیان بی گناه که اغلب به واسطه نداری و فقر یا تصادف و خطای سهوی زندانی شده‌اند، شرکت دهیم. نهادهایی که می‌خواهند مشارکت مردمی را در این زمینه سازماندهی کنند لازم است از دو طریق وارد عمل شوند: یکی اینکه از کسانی که ثروت دارند و اهل خیرند درخواست کمک مالی برای آزادی زندانیان کنند. طریق دیگر اینکه با شاکیان این زندانیان ارتباط برقرار کنند و از آن‌ها هم بخواهند مقداری ایثار کنند و فلاکت وضع زندانی بدهکار و خانواده‌اش را ببینند و از او گذشت کنند تا از زندان آزاد شود و به تدریج طلب آنان را بپردازد. این اقدام، برکات و ثمرات زیادی دارد، اولاً خود شرکت دادن مردم، احیای فرهنگ اسلامی کمک به دیگران و رسیدگی به بینوایان و مستضعفان است. احساس همدردی کردن با دیگران آثار بسیار عجیبی در اصلاح جامعه و در نزول برکات الهی بر آن جامعه دارد، روابط اجتماعی را دگرگون

www.SID.ir

Archive of SID

می‌کند و مردم را به همکاری و همدلی و عفو و گذشت وا می‌دارد. روابط مادی که همه چیز را با ماده و شهوت منفعت‌طلبی ارزیابی می‌کند، دگرگون شده و جای خود را به روابط مبتنی بر محبت و همکاری و برادری و کمک به یکدیگر می‌دهد. ما باید این فرهنگ را اشاعه دهیم، چون خیلی از مشکلات از این طریق حل خواهد شد» (هاشمی شاهرودیB، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

۳-٤. حق و عدالت؛ مبنای حقوق کیفری در اسلام

یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی، مبنا قرار دادن حقوق اسلام و یا اعاده آنان جهت تحقق عدالت قضایی در دوره کنونی است. پیرامون عدالت قضایی مدنظر حضرت امیر (ع) همین یک‌سخن کافی است که ایشان در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «وَ اجْعَلْ لذَوی الْحاجات منْک قسْماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فیه شَخْصَک، وَ تَجْلسُ لَهُمْ مَجْلساً عامّاً، ...، وَ تُقْعدُ عَنْهُمْ جُنْدَک وَ اَعْوانَک منْ اَحْراسک وَ شُرَطک، حَتّی یکلِّمَک مُتَکلِّمُهُمْ غَیرَ مُتَتَعْتع، فَانّی سَمعْتُ رَسُولَ اللّه صَلَّی اللّهُ عَلَیه وَ آله یقُولُ فی غَیر مَوطن: «لَنْ تُقَدَّسَ اُمَّةٌ لایؤْخَذُ لضَّعیف فیها حَقُّهُ منَ الْقَوی غَیرَ مُتَتَعْتع...». «از جانب خود وقتی را برای آنان که به شخص تو نیازمندند قرار ده و در آن‌وقت وجود خود را برای آنان از هر کاری فارغ کن، و جلوست برای آنان در مجلس عمومی باشد،... و لشگریان و یاران از پاسبانان و محافظان خود را از این مجلس برکنار دار، تا سخنگوی نیازمندان بدون ترس و نگرانی و لکنت و تردید با تو سخن بگوید، که من بارها از رسول خدا صلّی اللّه علیه وآله شنیدم می‌فرمود: «امتی به پاکی و قداست نرسد مگر اینکه حق ناتوان را از قدرتمند با صراحت و روانی کلام بگیرد»...» لذا از منظر ایشان از جمله حقوق قضایی شهروندان آن است که نظام قضایی طراحی و پایه‌گذاری شود که در آن نه‌تنها حق مظلوم پایمال نشود، بلکه مظلوم در دادخواهی خویش حتی با هیچ‌گونه اضطراب روانی نیز مواجه نباشد».

در راستای تحقق عدالت قضایی، هاشمی شاهرودی با مقایسه وضع مطلوب که همانا حقوق اسلامی است و وضع فعلی، خواهان بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوق کیفری اسلام می‌باشد. ایشان در این باره نیز چنین بیان می‌کنند: «باید از ظرفیت‌های موجود، حسن استفاده کنیم و با آیین‌نامه و بخشنامه و ایجاد نهادهای مناسب و بکارگیری نیروهای کارآمد و اعمال نظارت و کنترل، الگوی سیاست‌های کیفری اسلام را در خصوص زندان احیا کنیم. در این صورت است که اصلاح و تربیت مجرمین تحقق

www.SID.ir

Archive of SID

می‌یابد و می‌توانیم در این جهت به دنیا الگو بدهیم. البته حالا هم وضع زندان‌های ما خیلی بهتر از دنیاست، همین وضعی که ما و شما از آن احساس نارضایتی می‌کنیم از نظر مادی و شرایط درون زندان در مقایسه با کشورهای همجوار بلکه کشورهای پیشرفته خیلی بهتر است، ولی در عین حال هنوز با وضع مطلوب در سیاست‌های کیفری اسلام فاصله داریم» (هاشمی شاهرودیD، ۱۳۹۶: ۵۰).

علاوه بر این، عدالت قضایی در جامعه مطلوب اسلامی هنگامی تحقق‌پذیر می‌شود که مسأله برخورد احسن و همچنین شدت عمل در نزد جامعه قضایی به شکل مؤثری دنبال شود. مصداق این برخورد را می‌توان در نزد قضات و رفتارهای آنان مشاهده نمود که هم بتوانند با سعه صدر نسبت به برخی از مسائل نگاه کنند و هم اینکه در جرایم عمومی با قاطعیت و بر مبنای حق قضاوت نمایند. به همین دلیل هاشمی شاهرودی بیان می‌کند: «قاضی بایستی نشان بدهد که به دنبال حق و عدالت است حتی اگر علیه حاکمیت باشد. نه اینکه تا یک گزارش از یک دستگاه حکومتی آمد، بگوید حق با این است و اصلاً به طرف آن اجازه دفاع ندهد. برعکس، قاضی در اینجا بایستی طرف ضعیف را بگیرد، مگر اینکه برایش قطعی شود که محق نیست. باید ارباب رجوع احساس کنند که قاضی در پی حق است و جانب طرف قوی را نمی‌گیرد. البته مسائل امنیتی و جرائم سازمان‌یافته را بایستی جدا کرد، خود مردم در این موارد می‌خواهند که خیلی سخت برخورد شود و از دستگاه قضائی جدیت و قاطعیت و شدت عمل می‌خواهند» (هاشمی شاهرودیA، ۱۳۹۶: ۳۴).

تحقق عدالت قضایی نیازمند به کارگیری روش‌ها و ابزارهایی است که در اندیشه حقوقی هاشمی شاهرودی با عنوان «توسعه قضایی» شناخته می‌شوند. از نظر ایشان: «برای رسیدن به عدالت قضایی، توسعه قضایی امری مهم و ضروری است. به نظر می‌رسد قضاوت بر مبنای حق و همچنین عمل بر مبنای مجازات کیفری اسلام به خوبی می‌تواند باعث توسعه قضایی در جامعه مطلوب اسلامی گردد. به گفته آیت‌الله هاشمی شاهرودی: «منظور از توسعه قضایی ملازم با توسعه در تشکیلات یا توسعه عمرانی و ساختمان‌سازی و امثال اینها نیست، گر چه اینها هم ممکن است در توسعه قضایی لازم باشد. همچنین توسعه در شعب و کادر قضایی هم نیست، گر چه در بعضی از مراحل ممکن است این هم در توسعه قضایی مؤثر و لازم باشد. توسعه قضایی به معنای توسعه و رشد اهداف و ایده‌های قضایی است. دستگاه قضایی در هر جامعه‌ای که شکل

www.SID.ir

Archive of SID

می‌گیرد، بر مبنای فلسفه‌ای است که این مبنا، فلسفه وجودی این دستگاه را مشخص می‌کند و برای این دستگاه اهداف و اغراضی تنظیم می‌شود. خوشبختانه هم در فقه ما این تنظیم آمده و هم در قانون اساسی ما اهدافی به عنوان اهداف و وظایف قوه قضائیه دیده شده است.» (هاشمی شاهرودیE، ۱۳۹۶: ۱۲۹). بنابراین راه اصلی توسعه قضایی توجه به آموزه‌های کیفری اسلامی است که از طریق فقه پویا و سازگار با تحولات زمانه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد.

٤-٤. امنیت و استقلال قضایی

امنیت قضایی یکی از شرایط مهم جهت دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی است. امام علی (ع) درباره فراهم کردن امنیت قضایی در عهدنامه مالک اشتر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه چنین رهنمود داده است: «ثُمَّ اخْتَرْ لِلْحُكم بَيْنَ اَلنَّاس أَفْضَلَ رَعِيَّتِك فی نَفْسِك ممَّنْ لاَ تَضيقُ به اَلْأُمُورُ وَ لاَ تُمَحِّكُهُ اَلْخُصُومُ وَ لاَ يَتَمَادَى فی اَلزَّلَّة وَ لاَ يَحْصَرُ منَ اَلْفَیْء إِلَى اَلْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ وَ لاَ تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَع وَ لاَ يَكتَفی بأَدْنَى فَهْم دُونَ أَقْصَاهُ وَ أَوْقَفَهُمْ فی اَلشُّبُهَات وَ آخَذَهُمْ بِالْحُجَج وَ أَقَلَّهُمْ تَبَرُّماً بمُرَاجَعَة اَلْخَصْم وَ أَصْبَرَهُمْ عَلَى تَكشُّف اَلْأُمُور وَ أَصْرَمَهُمْ عنْدَ اتِّضَاح اَلْحُكم ممَّنْ لاَ يَزْدَهيه إِطْرَاءٌ وَ لاَ يَسْتَميلُهُ إِغْرَاءٌ وَ أُولَئك قَليلٌ ثُمَّ أَكثرْ تَعَاهُدَ قَضَائه وَ افْسَحْ لَهُ فی اَلْبَذْل مَا يُزيلُ عِلَّتَهُ وَ تَقلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى اَلنَّاس وَ أَعْطه منَ اَلْمَنْزلَة لَدَيْك مَا لاَ يَطْمَعُ فيه غَيْرُهُ منْ خَاصَّتك لِيَأْمَنَ بذَلك اغْتيَالَ اَلرِّجَال لَهُ عنْدَك فَانْظُرْ فی ذَلك نَظَراً بَليغاً فَإِنَّ هَذَا اَلدِّينَ قَدْ كانَ أَسيراً فی أَيْدی اَلْأَشْرَار يُعْمَلُ فيه بالْهَوَى وَ تُطْلَبُ به اَلدُّنْيَا». «و برای داوری در میان مردم، یکی از افراد رعیت را بگزین که در نزد تو برتر از دیگران بود. از آن کسان، که کارها بر او دشوار نمی‌آید و از عهده کار قضا برمی‌آید. مردی که مدعیان با ستیزه و لجاج، رأی خود را بر او تحمیل نتوانند کرد و اگر مرتکب خطایی شد، بر آن اصرار نورزد و چون حقیقت را شناخت در گرایش به آن درنگ ننماید و نفسش به آزمندی متمایل نگردد و به اندک فهم، بی‌آنکه به عمق حقیقت رسد، بسنده نکند. قاضی تو باید، از هرکس دیگر موارد شبهه را بهتر بشناسد و بیش از همه به دلیل متکی باشد و از مراجعه صاحبان دعوا کمتر از دیگران ملول شود و در کشف حقیقت، شکیباتر از همه باشد و چون حکم آشکار شد، قاطع رأی دهد. چرب‌زبانی و ستایش به خودپسندی‌اش نکشاند. از تشویق و ترغیب دیگران به یکی از دو طرف دعوا متمایل نشود. چنین کسان اندک به دست آیند، پس داوری مردی چون او را نیکو تعهد کن و نیکو نگهدار. و در بذل مال به او،

www.SID.ir

Archive of SID

گشاده‌دستی به خرج ده تا گرفتاری‌اش برطرف شود و نیازش به مردم نیفتد. و او را در نزد خود چنان منزلتی ده که نزدیکانت درباره او طمع نکنند و در نزد تو از آسیب دیگران در امان ماند. در این کار، نیکو نظر کن که این دین در دست بدکاران اسیر است. از روی هوا و هوس در آن عمل می‌کنند و آن را وسیله طلب دنیا قرار داده‌اند».

علاوه بر امنیت قضایی، استقلال قضایی نیز دارای اهمیت فراوانی است. از نظر آیت‌الله هاشمی شاهرودی، استقلال در قضاوت و مستقل بودن نهادهای قضایی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها یی است که نظام‌های قضایی می‌توانند جهت اعتماد مردم و افکار عمومی به کار گیرند. این امر در حقوق اسلامی ابتدا نیازمند توجه و رعایت موازین شرعی و عمل بر مبنای آنان است. ضمن اینکه شناخت قوانین و حقوق نیازمند سپردن امور به دست متخصصان و عالمان اسلامی است. مشروعیت حکومت مستلزم سه امر است که عبارتند از: تسلّط، عدالت و رعایت موازین شرعی (هرندی، ۱۳۷۸: ۱۸۲). بنابراین در اسلام، حق قضاوت از آن کسانی است که توانایی کافی نسبت به شناخت احکام و قوانین اسلامی داشته باشند. زیرا، احکام شرعی، قوانینی دینی هستند که خواست و اراده خداوند را نشان داده و وظیفه عملی انسان را مشخص کرده و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نظر دین را در مورد هریک از رفتارهای انسان بیان می‌کنند (هاشمی شاهرودیF، ۱۴۲۶: ۳۵۰). علاوه بر این، چه در جوامع اسلامی و چه در هر جامعه‌ای، نظام اجتماع بسته به قضاوت است و اگر قضاوت نباشد، هیچ نظمی در اجتماع وجود نخواهد داشت و از عدالت و احقاق حق اثری نخواهد بود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳: ۳۳۱). عدم نفوذ حکم قاضی موجب اختلال در نظام جهان می‌شود و برخی از فقها هم به این دلیل، وجوب ارسال پیامبر (ص) و نصب امام معصوم(ع) را اثبات کرده‌اند و بر این عقیده هستند که این حکم عقل است که در صورت غیبت ولی امر(ع)، مجتهد جامع‌الشرایط باید، تصدی قضا را به علت عدم اختلال نظام بر عهده گیرد و در صورت عدم دسترسی به چنین فقیهی، سایر مؤمنان این مهم را بر دوش گیرند و این توهم که هرکس بتواند خودسرانه به قضاوت و سپس اجرای احکام بپردازد، خود موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است. لذا قضاوت در بین مردم را می‌توان یکی از موارد اجرای حکم نام برد که به لحاظ اهمیت مورد توجه صاحب شریعت بوده و فقها هم بدان توجه ویژه مبذول داشته و آن را در اصل از شئون پیشوای

www.SID.ir

Archive of SID

معصوم دانسته و به دلیل نیابتی که فقیهان، به صورت عام، از امام معصوم (ع) دارند در زمان غیبت حق فقیه می‌دانند.

از نظر هاشمی شاهرودی، یکی از هدف‌ها یا ایده‌هایی که بایستی قوه قضائیه دنبال کند، «استقلال و اقتدار قوه قضائیه» از هر گونه تأثیر پذیری است، این دستگاه باید هر چه مستقل‌تر باشد و اقتدار بیشتری در مقابل تأثیر پذیری داشته باشد. اقتدار، صدور احکام خیلی خشن و خیلی سخت و سختگیری نیست؛ اقتدار قوه قضائیه، در استقلال آن است و در این که تحت تأثیر توصیه‌ها قرار نگیرد، هیچ قدرتی، هیچ مقام دیگری، هیچ قوه دیگری نتواند تأثیری در این قوه بگذارد و قاضی واقعاً با اختیار کامل خود، نظر قضایی خود را بر اساس قانون، بر اساس احکام الهی، در یک نظام اسلامی و قضای اسلامی اعمال کند (هاشمی شاهرودیF، ۱۳۹۶: ۳۰۳). استقلال قوه قضاییه یکی از نمودهای اساسی برای تحقق عدالت است که هر جامعه‌ای از جمله جامعه اسلامی که نیازمند برقراری عدالت است، بدان نیاز دارد. از این منظر، استقلال و عدالت قوه قضاییه با یکدیگر پیوند خورده است.

نتیجه گیری

بر مبنای سؤال مطرح شده در پژوهش حاضر یعنی؛ «جایگاه عدالت قضایی در ارتباط با تحقق جامعه مطلوب اسلامی» باید گفت که اصول و معیارهای متعددی وجود دارند که در مبحث عدالت قضایی و تحت تأثیر شرایط خاص سیاسی و اجتماعی نادیده گرفته شده است. از جمله مهم‌ترین موضوعات، فقدان یک طرح جامع حقوق شهروندی اسلامی و ضرورت‌های اجرایی آن، بی توجهی به حبس زدایی در نظام قضایی کشور، نادیده گرفتن حقوق خانواده زندانیان و متهمان، اعمال فراقانونی نهادها و ضابطین قضایی و نبود استقلال و تدبیر قضایی هم از حیث اصول حاکم بر دستگاه قضا و هم فقدان استقلال قضات است. این انتقادات در دوره هاشمی شاهرودی وجود داشته و در بیانات ایشان نیز مشهود است.

با این حال، شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی از حیث عدالت قضایی، اولاً نیازمند تدبیر قضایی و شکل‌گیری شخصیت اخلاقی، منصفانه و عاری از فشار و تعصب قضات در امر قضاوت است که روی‌هم‌رفته عوامل فردی رسیدن به قدرت را در بر می‌گیرد. دوماً، در حیطه مدیریت قضایی جامعه، نیازمند به کارگیری روش‌های تنبیهی و اصلاحی است که در واقع به مباحث زندانی‌زدایی و بهره‌گیری از روش‌های مؤثر

www.SID.ir

Archive of SID

مجازات جایگزین را در بر می گیرد. زندان‌زدایی در واقع یکی از عوامل مؤثر در تحقق بخشی به عدالت قضایی نیز می‌باشد و آن را در حیطه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی گسترش می‌دهد. علاوه بر این، مبان قرار دادن حق و عدالت بدور از فشارهای سیاسی و یا عدم استقلال در قضاوت به عنوان بخش مهم دیگری از عدالت قضایی است که می‌تواند شاکله نظام مطلوب اسلامی را که در واقع همانا پیاده کردن احکام شریعت در عمل است، باشد. به علاوه از منظر آیت‌الله شاهرودی با بومی‌سازی قوانین باید قوانین اسلامی را در کشور حاکم نمود. اگرچه ادعاهایی مبنی بر بومی‌سازی نهادها و ساختار و قواعد در ایران وجود دارد؛ اما باید به جای نقد مبتنی بر تعریف و تمجید به بررسی چالش‌های سازمان از قبیل تعدد پروندها و اطاله دادرسی، چالش‌های مدیریتی سازمان، موازی‌سازی دستگاه قضایی، مسائل تخصصی شدن جذب قضایی، اصالت دادن به تخصص در سازمان و... پرداخت. با توجه به نتایج این تحقیق، زمامداری الگویی مناسب و بومی در ایجاد تغییرات و اصلاحات رویه‌ای و شکلی در امور قضایی بسیار مهم است و تمامی مؤلفه‌های آن قابلیت اعمال در دستگاه قضایی را دارند. نظر به این که اصول کلی به‌زمامداری قابل انطباق با شرایط بومی هر کشور است، منطقاً بازده آن بیش از انجام تغییراتی بر مبنای مقتضیات نظام حقوقی برخاسته از یک فرهنگ خاص خواهد بود. بنابراین می‌توان با مطالعه دقیق مؤلفه‌ها و شاخص‌های به‌زمامداری قضایی و از طریق وارد کردن معنادار فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین به فرایندهای قضایی، اصلاحات مورد نظر را پیش برد.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع و مآخذ:

نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشرقین.

امیدی، جلیل، نیکویی، سمیه (۱۳۸۷)، تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، دوره ۱۲،شماره ۳،پاییز ۱۳۸۷.

انصاری، ولی الله (۱۳۸۰)، **حقوق تحقیقات جنایی**، تهران: نشر سمت.

بارنت، اریک (۱۳۸۲)، **مقدمه‌ای بر حقوق اساسی**، برگردان: عباس کدخدایی، تهران نشر میزان.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰)، حق کرامت انسانی، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی** ، شماره ۲۷.

جعفری هرندی، محمد (۱۳۷۸)، **فقها و حکومت**، تهران: انتشارات روزنه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، عقل و دین، **مجله پاسدار اسلام**، شماره ۲۵۰.

حسینی، رضا (۱۳۹۱)، مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی با رویکرد اسلامی، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۲۱-۵.

حسینی، سیدابراهیم (۱۳۸۵)، نظام حقوقی اسلام، **مجله معرفت**، شماره ۱۰۶.

زارعی، محمدحسین (۱۳۸۰)، حاکمیت قانون در اندیشه‌های حقوقی و سیاسی، **نشریه نامه مفید**، شماره ۲۶، صص ۶۷-۵۱.

زراعت، عباس (۱۳۸۲)، **اصول آیین دادرسی کیفری**، تهران: نشر مجد.

شمعی، محمد (۱۳۸۸)، **تحلیل ماهیت و آثار قرارداد اداری در حقوق ایران**، تهران: نشر دستان.

طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۸)، **حقوق اساسی**، تهران: نشر میزان.

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۵)، کرامت انسانی و خشونت در اسلام، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره۳.

عمیدزنجانی، عباسعلی، توکلی، محمدمهدی (۱۳۸۶)، حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام، **مطالعات حقوق بشر**، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۱۸۹-۱۶۱.

غمامی، مجید، محسنی، حسن (۱۳۸۲)، «اصول تضمین کننده عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌ها ی دادرسی مدنی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۷۴، صص ۲۹۶-۲۶۵.

قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران: نشر میزان.

لسانی، محسن، حیدری، محمدعلی، توکلی، احمدرضا (۱۳۹۵)، جایگاه و ضرورت قضاوت شورایی در تحقق عدالت قضایی، **مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، سال ۸، شماره ۱۵، صص ۳۰۰-۲۷۵.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، **قواعد فقه**، تهران، نشر علوم انسانی

مرادخانی، احمد؛ خزایی، احمدرضا (۱۳۹۷)، **مبانی فقهی حقوق شهروندی**، تهران: نسیم (حقوق شهروندی).

مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، **نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

موذن زادگان، حسن علی (۱۳۷۷)، حقوق دادخواهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **نشریه دیدگاه‌های حقوقی**، شماره ۹.

ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۱)، بررسی مصادیق برجسته عدالت قضایی در سیره امام علی (ع)، **مجله تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل**، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۲۰۳-۱۶۷.

هاشمی شاهرودیA، محمود (۱۳۹۶)، **حقوق شهروندی**، قم: نشر انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت.

هاشمی شاهرودیB، محمود (۱۳۹۶)، **اندیشه اسلامی**، قم: نشر انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت.

هاشمی شاهرودیC، محمود (۱۳۹۶)، **نظام قضایی اسلامی**، نشر انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت.

هاشمی شاهرودی D، محمود (۱۳۹۶)، **منشور بهداشت قضایی**، قم: نشر انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت.

هاشمی شاهرودی F، محمود (۱۳۹۶)، **امنیت**، قم: نشر انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت.

هاشمی شاهرودیE، محمود (۱۳۹۶)، **عدالت**، قم: نشر انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶) ، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)**، قم: موسسه دایره المعارف.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد دوم، تهران: نشر دادگستر.

منابع عربی:

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، **المکاسب المحرمه**، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر کنگره.

زحیلی، مصطفی (۱۴۱۹)، **الموسوعة الفقهیّة**، جلد۴، کویت، وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیة.

مشکینی‌اردبیلی، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، **مصطلحات الفقه و معظم عناوینه الموضوعیه**، قم: انتشارات الهدی.

Blackstone,w (1989)**.commentaries on law of England**, London: Publisher callell & davies.

سخنرانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ قابل بازیابی در سایت به نشانی: https://www.magiran.com/article/1859785.

www.SID.ir